

## جایگاه مشارکت بخش خصوصی و عمومی

### در سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی

علی راه نشین

دانشجوی دکتری مدیریت مالی

[arraad@gmail.com](mailto:arraad@gmail.com)

#### چکیده

رویکرد نظام مقدس جمهوری اسلامی به اقتصاد با ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی تحولی بنیادین یافت. بر اساس این سیاست ها اهدافی همچون ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری و همچنین تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه ها به سیاست گذاری و هدایت و نظارت مد نظر مسئولین کشور قرار گرفت. در این مقاله به بررسی پروژه های مشارکت بخش خصوصی و عمومی به عنوان شیوه های متنوع تری به نسبت خصوصی سازی برای اجرای این سیاست ها پرداخته می شود و الزامات و راهکار های گسترش آنها در کشور در راستای تحقق عدالت اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و توسعه زیرساخت ها ارائه می گردد.

کلید واژه: مشارکت بخش خصوصی و عمومی، اصل ۴۴، بخش عمومی اقتصاد، خصوصی سازی

رشد و توسعه اقتصادی کشورها در گرو اجرای پروژه های مختلف زیرساختی، زیربنایی، خدماتی، شهری، تامین اجتماعی و بهداشتی بوده و افزایش کارایی و کیفیت ارائه خدمات از جمله اهداف اصلی آن ها به شمار می رود. محدودیت منابع بودجه ای دولت ها برای تامین مالی پروژه های بزرگ و همچنین تقاضای زیاد موجود در زمینه سرمایه گذاری در این پروژه ها، کشورها را بر آن داشته تا تمامی تلاش خود را در بهره گیری از مشارکت فعال بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی مناسب برای فعالیت آنها بکار بندند که این تلاش ها در قالب مشارکت های بخش خصوصی و عمومی متبلور شده است. این مقاله با بررسی زوایای مختلف این پروژه ها راهکارهایی برای افزایش سهم این پروژه ها در کشور، علی الخصوص در طی اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه می نماید.

#### نگاهی به سیاست های اصل ۴۴

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چند مرحله ابتدا در تاریخ ۸۴/۳/۱ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. این سیاست ها با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها تنظیم گردیده اند.

طبق بند الف این سیاست ها دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ رانداشته و موظف است هرگونه فعالیت را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله چهارم به بخش های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

همچنین طبق همین بند به بنگاه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش های تعاونی و خصوصی اجازه داده شده تا در زمینه های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت داشته باشند.

در تاریخ ۱۳۸۵/۰۴/۱۲ بند ج این سیاست ها با هدف تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه ها به سیاست گذاری و هدایت و نظارت با واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش های خصوصی شرکت های تعاونی سهامی عام و بنگاه های عمومی غیر دولتی موافقت شد.

همچنین بند د این سیاست ها به موضوع واگذاری و نحوه انتقال بنگاه ها به بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیر دولتی توجه می کند. بطور کلی در این سیاست ها شیوه اصلی مشارکت دیگر بخش ها در اقتصاد از طریق خصوصی سازی و واگذاری کامل دیده شده است.

به نظر می رسد نگاه خاص قانونگذار در بند ب این سیاست ها به بخش تعاونی در راستای گسترش عدالت اجتماعی و رسیدگی به طبقات محروم بوده است. در این راستا توجه خاص به بخش عمومی غیر دولتی و توسعه زیرساخت های عمومی نیز می تواند بسیار مفید و سازنده باشد.

### مشارکت بخش خصوص و عمومی (PPP)

اصطلاح مشارکت بخش خصوصی و عمومی<sup>۱</sup> به طیفی از حالت های ارتباط میان بخش های عمومی و خصوصی در زمینه زیرساخت ها و ارائه خدمات اطلاق می شود. از اصطلاحات دیگری که در این زمینه بکار می روند می توان به مشارکت بخش خصوصی<sup>۲</sup> و خصوصی سازی<sup>۳</sup> اشاره نمود. (هیبتی، ۱۳۸۸)

مشارکت بخش خصوص و عمومی دارای معنای خاصی است که ابتدا با تدارک خدمات عمومی یا زیر ساخت عمومی مرتبط است، دوما انتقال ریسک بین شرکا را ایجاد می کند. ترتیباتی که شامل این دو مفهوم نمی شود "مشارکت بخش خصوصی و عمومی" نامیده نمی شود.

طبق تعریف «هیات مشارکت بخش خصوصی و عمومی کانادا»<sup>۴</sup>، مشارکت بخش خصوص و عمومی یک ریسک پذیری مشارکتی بین بخش های عمومی و خصوصی است، مبتنی بر تخصص هر یک از شرکا، که به بهترین وجه نیاز های بخوبی مشخص شده بخش عمومی را از طریق تخصیص مناسب منابع، ریسک ها و منافع مرتفع می کند. واژه "خصوصی سازی" در مورد سلب کامل بکار می رود و یا وقتی که یک کارکرد خاص به بخش خصوصی منتقل شده است و کنترل نظارتی در مسئولیت بخش عمومی باقی مانده است.

در امریکا گاه ها خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی و عمومی دارای معنای مشترک هستند در حالیکه در بقیه کشور ها خصوصی سازی به آخرین حد در مدل PPP اشاره می کند که بخش عمده و یا همه دارایی ها توسط بخش عمومی نگهداری می شود. (CCPPP)

---

<sup>1</sup> public-private partnership

<sup>2</sup> Public sector participation (PSP)

<sup>3</sup> Privatization

<sup>4</sup> the canadian council for Public-Private Partnerships

## کاربرد ها و منافع مشارکت بخش خصوصی و عمومی

مشارکت بخش عمومی و خصوصی در واقع یک راه برد-برد برای هر سه طرف دولت، بخش خصوصی و عمومی است. علی رغم تصور این نوع قرارداد ها بسیار معمول است و هزاران پروژه در امریکا در مدت دویست سال گذشته از طریق مشارکت این دو بخش اجرایی شده اند. آب و فاضلاب، حمل و نقل، توسعه شهری و ارائه خدمات اجتماعی مواردی از کاربرد این قرارداد ها هستند. طبق اطلاعات «هیات ملی مشارکت های بخش خصوصی و عمومی امریکا»<sup>۵</sup> امروزه ۲۳ خدمت از ۶۵ خدمات شهری در میانگین شهر های امریکا از طریق مشارکت با بخش خصوصی انجام می شود. کاربرد مشارکت ها بدلیل ارائه یک ابزار اثربخش در تامین نیاز های عمومی، تامین یک سطح بالا از کنترل عمومی، افزایش کیفیت خدمات و همچنین بصره تر بودن به نسبت روش های سنتی در حال افزایش است.

مشارکت بخش عمومی همچنین باعث کمک به دولت ها از طریق تعدیل بودجه و کاهش سطح مالیات ها، افزایش هماهنگی امور و حرکت به سمت دولت الکترونیک می شود. همچنین در جامعه باعث افزایش رضایت مندی کارکنان، سطح امنیت عمومی، فرصت های آموزشی، سلامت محیط زیست، گسترش زیر ساخت ها همچون حمل و نقل و ... میشود. بسیاری از بررسی ها نشان می دهد که دولت ها به صرفه جویی ۲۰ ال ۵۰ درصدی در هزینه ها از طریق مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات دست یافته اند. (NCPPP)

مشارکت بخش عمومی و خصوصی ساختار های گوناگونی را شامل می شود. از این ساختار ها می توان اجرا و نگهداری، اجرا نگهداری و مدیریت، طراحی و ساخت، طراحی - ساخت - دارایی - عملیات - نگهداری - انتقال، اجاره / خرید، و ... را شامل می شوند که طرف های عمومی و خصوصی به تناسب نیاز ها و منافع خود با یکدیگر وارد قرارداد می شوند و به همین دلیل نمی توان ساختار ثابتی برای این مشارکت ها تصور کرد. در این میان مدل های مشارکت بخش خصوصی از مشارکت در ساخت تا مالکیت تمام دارایی (خصوصی سازی) در تناوب است. و به همین دلیل نبایستی خصوصی سازی را تنها راه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد دانست

## مرز بخش عمومی کجا پایان می یابد؟

سوالی که ممکن است در مورد اینگونه مشارکت ها بوجود آید که آیا بوسیله این شیوه میتوان به اهداف ترسیم شده در سیاست های اصل ۴۴ علی الخصوص بند ج این سیاست ها با هدف تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه ها به سیاستگذاری و هدایت و نظارت رسید.

<sup>5</sup> The National Council for Public-Private Partnerships

این پروژه ها اصولاً جزء بخش دولتی محسوب می شوند و یا بخش خصوصی؟ و مرز بخش عمومی و خصوصی در این موارد کجاست؟ این سوالی است که اکنون در محافل رسمی دنیا مورد بررسی است.

معانی دولت و بخش عمومی، هنگامی که در رابطه با کسری بودجه و یا بدهی بکار برده میشود اغلب بطور بی ربطی بکار برده می شود. منطقه تحت پوشش دولت کجاست؟ آیا از بخش عمومی متفاوت است؟ آیا با مشارکت در حال افزایش بخش خصوصی در فعالیت های دولت، شامل مشارکت بخش خصوصی و عمومی (PPP)، مرز میان بخش خصوصی و عمومی محو تر نمی شود؟ یک مطالعه که اخیراً در مجله فرانسه زبان ترزور<sup>۶</sup> منتشر شده است معنی و اجزای بخش عمومی آنگونه که در آمار های مالی دولتی<sup>۷</sup> (GFS) صندوق بین المللی پول (۲۰۰۱) تعریف شده است را نشان می دهد. بخش عمومی از دولت عمومی یکپارچه وسیع تر است چون که شامل بنگاه های عمومی است. چارچوب GFS که در مورد مفهوم «کنترل» دولتی بحث می کند (مهم برای تشخیص اینکه کجا یک بنگاه یا یک مشارکت بایستی به بخش خصوصی یا عمومی نسبت داده شود)، یک مبنای نظری برای یک معنای روشن از بخش های عمومی و خصوصی ارائه می کند. تایید شده که تمامی مباحث حسابداری - شامل آنهایی که مربوط به مباحث PPP و دیگر خطوط مرزی مقررات نهادی می شود - هنوز تعیین نشده است.

چارچوب GFS بخش عمومی را تعریف می کند. دو جزء مهم آن دولت عمومی<sup>۸</sup> و بنگاه های عمومی است. دولت عمومی شامل همه واحد های نهادی که کالا و خدمات در یک زمینه غیر بازاری تولید می کنند می شود. در کنار دولت های مرکزی، تمام سطوح پایین تر دولت، همچون ادارات تامین اجتماعی، در دولت عمومی قرار می گیرند. در عمل اعمال معیار «بازار» در برابر «غیر بازاری» سخت است. بهر حال این سختی بر اندازه بخش عمومی اثری ندارد، و فقط «بنگاه های عمومی» در برابر «دولت های عمومی» از طریق آن جدا می شوند.

#### مدل مفهومی تقسیم بخش های عمومی و خصوصی

غیر انتفاعی	انتفاعی	
سازمان های خصوصی غیر انتفاعی و خانوارها	بنگاه های خصوصی	مالکیت خصوصی (بخش خصوصی)
دولت	بنگاه های عمومی	مالکیت عمومی (بخش عمومی)

بخش عمومی

IMF, 2009

<sup>6</sup> La Revue du Trésor , <http://www.revuedutresor.com/>

<sup>7</sup> IMF's Government Financial Statistics

<sup>8</sup> general government

شرکت هایی که مالکیت و یا کنترل آنها در اختیار واحد های دولت عمومی است نیز جزء بخش عمومی هستند. مفهوم «کنترل» محدود به مالکیت سهام عمده نیست بلکه شامل عوامل دیگر کنترل دولتی همچون رای دادن، انتصاب، و قدرت و تو است. موجودیت های مستقل تحت مالکیت و کنترل دولت که قیمت هایی را تعیین می کنند که از لحاظ اقتصادی مهم هستند و بیرون از بودجه دولتی هزینه می کنند، بایستی به عنوان بنگاه های عمومی طبقه بندی شوند.

PPP مقررات قراردادی برای تامین مالی سرمایه گذاری دولت -اغلب پروژه های زیرساختی- هستند. آنها در بکاربردن چارچوب شناخته شده در سطح بین الملل GFS یک چالش ایجاد می کنند. در سال ۲۰۰۴ یورواست توصیه کرد که این پروژه ها هنگامی که شریک خصوصی ساخت و ریسک های موجود را تقبل کند به عنوان پروژه های خصوصی شناخته شوند. این استاندارد بصورت منصفانه ضعیف ممکن است منجر به پروژه هایی با ریسک بالا گردد که توسط دولت ثبت نشده اند. دولت بنابر این بایستی ریسک های مرتبط با این پروژه ها را افشا نمایند آنگونه که عموم از هزینه های ممکن دولتی برخواسته از پروژه های دارای ریسک مطلع شوند. (لینرت، ۲۰۰۸)

سه معیار تشخیص و تمایز بین بنگاه های عمومی و دولتی عمومی می توان برشمرد:

- ۱- اگر قیمت تولید و خدمت واحد بصورت اقتصادی تعیین می شود، واحد یک بنگاه عمومی است.
  - ۱- اگر هیچ یک از قیمت های محصولات واحد بصورت اقتصادی تعیین نمی شود، واحد جزئی از دولت عمومی است.
  - ۳- در صورتی که بعضی قیمت ها بصورت اقتصادی تعیین می شود و یا واحد فقط بعضی از محصولات خود را می فروشد می توان واحد را یک بنگاه شبه دولتی<sup>۹</sup> دانست.
- یک بنگاه شبه دولتی بعنوان شخصیتی تعریف می شود که بعنوان یک شرکت ثبت شده و یا بصورت قانونی تاسیس شده نیست، اما همچون آن عمل می کند. در سیستم GFS، این بنگاه ها واحد هایی نهادی جدا از واحد هایی می باشند که به آنها متعلق هستند. (IMF، ۲۰۰۱)

## انواع مشارکت

مشارکت بخش عمومی و خصوصی انواع مختلفی از شکل ها را در بر می گیرد و هیچ دو پروژه ای مشابه همدیگر نیستند.

**عملیات و نگه داری<sup>۱۰</sup> (O&M):** یک شریک عمومی (دولت مرکزی، ایالتی یا نهاد محلی) با شریک خصوصی برای ارائه و نگهداری یک خدمت خاص قرارداد می بندد. در کنار اختیار بخش خصوصی در عملیات و نگه داری، شریک عمومی مالکیت و مدیریت کلان بر امکانات و سیستم عمومی را حفظ می کند.

<sup>9</sup> quasi-corporation

<sup>10</sup> Operations and Maintenance

**عملیات، نگه داری و مدیریت<sup>۱۱</sup> (OMM):** یک شریک عمومی با شریک خصوصی برای ارائه و نگهداری و مدیریت یک امکانات یا سیستم ارائه دهنده خدمت قرارداد می بندد. طبق مفاد این قرارداد شریک عمومی مالکیت بر امکانات و سیستم عمومی را حفظ می کند، اما بخش خصوصی ممکن است سرمایه خود را در سیستم و امکانات سرمایه گذاری کند. تمامی سرمایه گذاری خصوصی بدقت در رابطه با کمک آن به بازده عملیاتی و صرفه جویی در طول مدت قرارداد محاسبه می شود. بطور کلی زمان طولانی تر برای قرارداد به معنای فرصت بزرگتر برای سرمایه گذاری خصوصی است زیرا زمان بیشتری برای جبران سرمایه گذاری و کسب بازده معقول وجود دارد. بسیاری از دولت های محلی اینگونه مشارکت های قراردادی را برای ارائه خدمات فاضلاب بهداشتی بکار می گیرند.

**طراحی و ساخت<sup>۱۲</sup> (DB):** یک پروژه طراحی و ساخت هنگامی است که شریک خصوصی هر دو بخش طراحی و ساخت یک پروژه را برای نهاد عمومی انجام می دهد. این شکل از مشارکت می تواند باعث کاهش زمان، حفظ پول، ارائه ضمانت های قوی تر، و تخصیص ریسک های اضافی پروژه به بخش خصوصی شود. همچنین با داشتن تنها یک شخصیت مسئول در برابر مالک عمومی در مرحله طراحی و ساخت، تعارض کاهش میابد. شریک بخش عمومی مالک دارایی ها و مسئول عملیات و نگه داری می باشد.

**طراحی، ساخت و نگهداری<sup>۱۳</sup> (DBM):** همچون مدل طراحی و ساخت به جز آنکه نگهداری از امکانات برای دوره هایی از زمان در حیطه مسئولیت بخش خصوصی قرار می گیرد. مزایا شبیه مدل DB است به اضافه ریسک نگهداری به شریک بخش خصوصی اختصاص می یابد و ضمانت ها نیز شامل نگهداری می شود. شریک بخش عمومی مالکیت و عملیات دارایی ها را بر عهده دارد. (NCPPP)

**طراحی، ساخت، تامین مالی و عملیات<sup>۱۴</sup> (DBFO):** بخش خصوصی در طی یک قرارداد لیزینگ بلند مدت طراحی، تامین مالی و ساخت یک امکانات جدید را و همچنین عملیات تاسیسات را در طول دوره قرارداد لیزینگ بر عهده می گیرد. در پایان مدت قرارداد بخش خصوصی امکانات جدید را به بخش عمومی منتقل می کند.

**ساخت، مالکیت و عملیات<sup>۱۵</sup> (BOO):** بخش خصوصی تامین مالی، ساخت، مالکیت و عملیات یک تاسیسات و یا خدمت جدید را بصورت دائم بر عهده می گیرد. محدودیت های عمومی در قرارداد اولیه و از طریق نهاد نظارتی بصورت مداوم اعمال می شوند.

<sup>11</sup> Operations, Maintenance & Management

<sup>12</sup> Design-Build

<sup>13</sup> Design-Build-Maintain

<sup>14</sup> Design-Build-Finance-Operate

<sup>15</sup> Build-Own-Operate

**ساخت، مالکیت، عملیات و انتقال**<sup>۱۶</sup> (BOOT): شخصیت خصوصی یک حق برای تامین مالی، طراحی، ساخت و اجرای امکانات و همچنین تعیین تعرفه های مصرف کننده را حتی برای مدتی پس از انتقال مالکیت و بازگشت مالکیت به بخش عمومی بدست می آورد.

**خرید، ساخت و عملیات**<sup>۱۷</sup> (BBO): انتقال مالکیت دارایی عمومی به بخش خصوصی و یا شخصیت شبه عمومی معمولا تحت قراردادی انجام می پذیرد که دارایی ها بایستی بروز و عملیاتی در مدت زمان خاصی نگهداری شوند. کنترل عمومی در طول دوره انتقال اعمال می گردد.

**امتیاز عملیات**<sup>۱۸</sup>: یک مجری خصوصی یک امتیاز یا حق برای اجرای یک خدمت عمومی را عموما برای یک دوره مشخص دریافت می کند. این نوع قرارداد عموما در پروژه های فن آوری اطلاعات بکار برده می شود.

**تامین مالی**: یک شخصیت خصوصی، معمولا یک شرکت خدمات مالی، یک پروژه را مستقیما و یا از طریق مکانیسم های گوناگون همچون یک قرارداد بلند مدت لیزینگ یا انتشار اوراق قرضه تامین مالی می کند. (CCPPP)

### درجه بندی مشارکت های بخش خصوصی و عمومی

گزینه های موجود برای تحویل زیرساخت عمومی از طراحی و ساخت تا خصوصی سازی کامل گسترده است که دولت تمام مسئولیت ها، ریسک ها و منافع برای تحویل خدمت را به بخش خصوصی انتقال می دهد. در این طیف مشارکت های بخش خصوصی و عمومی میتوانند مبتنی بر میزان درگیری بخش عمومی و خصوصی و درجه تخصیص ریسک به آنها دسته بندی شوند. (CCPPP)



<sup>16</sup> Build-Own-Operate-Transfer

<sup>17</sup> Buy-Build-Operate

<sup>18</sup> Operation License



## ریسک در پروژه های مشارکت بخش خصوصی و عمومی

در این پروژه ها هفت گونه ریسک می توان شناسایی کرد که بعضا همپوشانی دارند. (IMF، ۲۰۰۶)

**ریسک ساخت:** مربوط به مشکلات طراحی، افزایش هزینه های ساخت و تاخیر پروژه

**ریسک مالی:** مربوط به مشکلات تامین مالی پروژه که مثلا منجر به تغییر نرخ ارز و بهره می شود.

**ریسک دسترسی:** مربوط به تداوم کیفیت در ارائه خدمت است که به میزان دسترسی به یک دارایی خوب نگهداری شده در پروژه بستگی دارد.

**ریسک تقاضا:** مربوط به تداوم تقاضا برای خدمت ارائه شده در پروژه است.

**ریسک ارزش اسقاط:** عدم اطمینان در خصوص قیمت بازار دارایی زیرساختی در پایان دوره قرارداد (هنگامی که مالکیت دارایی خصوصی به بخش عمومی بر می گردد).

**ریسک حوادث:** ریسک های خارج از کنترل شرکاء پروژه (به عنوان مثال سوانح طبیعی)

## نتیجه گیری و راه کارها

- علی رغم ذکر سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی در تعریف نظام اقتصادی ج ۱۱ در اصل ۴۴ قانون اساسی به نظر می رسد در راستای روح این سیاست ها و منویات قانون گذار می بایست بخش عمومی غیر دولتی را در کنار دو بخش دولتی و خصوصی قرار داد. بخش تعاونی بدلیل وجود مالکیت شخصی و توجه به منافع فردی و حداکثر گروهی سهامداران نمی تواند بار مسئولیت تامین عدالت اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و توسعه ای و زیر ساختی را در کلان اقتصاد بدوش بکشد. بدین منظور توجه راهبردی به بخش عمومی غیر دولتی به عنوان تامین کننده این خدمات در کنار و جایگزین بخش دولتی و در برابر و مکمل بخش خصوصی الزامی به نظر می رسد.

- تاکید به خصوصی سازی و انتقال مالکیت از بخش دولتی به دیگر بخش ها در سیاست های اصل ۴۴ در حالی ابراز شده است که علاوه بر انتقاد های نظری صاحب نظران، در عمل نیز شاهد ناراسایی هایی در روند اجرای خصوصی سازی و نگرانی هایی برای آینده بوجود آمده است. امروزه در دنیا فراتر از خصوصی سازی در راستای گسترش خدمات عمومی و زیرساخت های مورد نیاز در کشور ها تاکید بر مشارکت بخش خصوصی و دولتی مورد توجه قرار گرفته است. مشارکت بخش خصوصی و دولتی دارای گستردگی روشی بالایی است که امکان تطبیق اهداف مورد نظر با نیازها و شرایط کشور را بخوبی پوشش می دهد. خصوصی سازی در واقع فقط یکی از راه حل های موجود در مشارکت بخش خصوصی و عمومی محسوب می گردد.

در بند د سیاست های اصل ۴۴، راهکار عملی و اجرایی این سیاست ها در واگذاری مالکیت شرکت های مشمول قانون دیده شده است و به تعریف و تشریح سیاست های واگذاری پرداخته است. به نظر میرسد انتقال تمرکز از خصوصی سازی به مشارکت بخش های خصوصی و عمومی در پیشبرد منویات مورد نظر در سیاست های اصل ۴۴ راهکاری الزامی به نظر می رسد. در این زمینه بررسی و تدوین سیاست های کلان نظام و گسترش راه کارهای اجرایی سیاست های اصل ۴۴ از واگذاری به « مشارکت بخش خصوصی و عمومی» مناسب به نظر میرسد.

- در ادامه تدوین قانون نحوه مشارکت های بخش خصوصی و عمومی بگونه ای که حدود قانونی مباحث مختلف مالکیت، بودجه، حسابداری، حسابرسی، مالیات، نظارت و کنترل در این پروژه ها را تعریف نماید می تواند مکمل و تبیین کننده سیاست های فوق الذکر باشد. مواد قانونی مورد نظر می تواند به همراه «قانون بخش عمومی غیر دولتی اقتصاد جمهوری اسلامی» بصورتی که تبیین کننده نحوه همراهی و مشارکت دولت با موسسات عمومی غیر دولتی و یا خصوصی در ارائه خدمات زیربنایی، توسعه ای، شهری و تامین اجتماعی باشد به مجلس شورای اسلامی ارائه گردد.

#### منابع:

- هیتی، احمد و احمدی موسی، «مشارکت عمومی- خصوصی: نظام تامین مالی در واگذاری پروژه های زیرساختی دولت های مرکزی و محلی به بخش خصوصی»، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی توسعه نظام تامین مالی در ایران، ۱۳۸۸
- CCPPP (the canadian council for Public-Private Partnerships), [www.pppcouncil.ca/](http://www.pppcouncil.ca/)
- Lienert Ian, Where does the Public Sector Boundary End? New Publication in French, IMF Direct, 2008
- NCPPP (The National Council for Public-Private Partnerships), [www.ncppp.org](http://www.ncppp.org)
- IMF, Government Finance Statistics Manual, 2001
- IMF, Public-Private Partnerships, Government Guarantees and Fiscal Risk, 2006
- IMF, Where Does the Public Sector End and the Private Sector Begin, 2009